

روان‌شناسی تحولی

Developmental Psychology

در این بخش چکیده‌های پژوهشی در ارتباط با تفاوت‌های جنسی در پنهان کردن راز، افسردگی در نوجوانی و ارتباط آن با روابط دوستانه، تفاوت‌های فردی در نظام شناختی کودکان مبتلا به درخودماندگی (اوتیسم) و درک کودکان از ذهن و هیجان در ارتباط با دعا ارائه می‌شوند، با امید به اینکه روزنه تازه‌ای برای پژوهشگران این مرز و بوم در زمینه تحول شناختی فراهم آید.

Keijsers, L., Branje, S. J. T., Frijns, T., Finkenauer, C., & Meeus, W. (2010). Gender differences in keeping secrets from parents in adolescence. *Developmental Psychology, 46* (1), 293-298.

تفاوت‌های جنسی در پنهان کردن راز از والدین در نوجوانی

در این پژوهش طولی تفاوت‌های جنسی در تغییرات تحولی و همبسته‌های ارتباطی پنهان کردن راز از والدین بررسی شد. در خلال چهار سال متوالی از سال دوم دبیرستان (میانگین سنی در نوبت = $13/2$ ؛ $SD = 0/51$) آغاز شد، ۱۴۹ پسر و ۱۶۰ دختر نوجوان آلمانی پنهان کردن راز از والدین خود و کیفیت ارتباط والد-کودک را گزارش کردند. الگوسازی منحنی رشد پنهان یک افزایش خطی در رازداری را نشان داد که به صورت معناداری در پسران سریعتر از دختران بود. افزون بر این، تحلیل‌های پیوند درازمدت و موافق (همزمان) را بین پنهان کردن راز از والدین و کیفیت ارتباط ضعیف‌تر والد-کودک در دختران را نشان داد. در پسران پیوند بین ارتباطی ضعیف‌تر و پنهان کردن راز از والدین به مراتب کمتر بود.

Brendgen, M., Lamarche, V., Wanner, B., & Vitaro, F. (2010). Links between friendship relations and early adolescents' trajectories of depressed mood. *Developmental Psychology, 46*(2), 491-501.

پیوند بین روابط دوستانه و مسیرهای زودرس خلق افسرده در اوایل نوجوانی

در پژوهش حاضر، میزان مشارکت انواع تجربه‌های دوستانه (برای مثال نداشتن دوست، داشتن دوستان افسرده و داشتن دوستان غیرافسرده) با مسیرهای طولی خلق افسرده در اوایل نوجوانی، بررسی شد. بر مبنای نمونه‌ای از ۲۰۱ نوجوان (۱۰۸ دختر، ۹۳ پسر) سه نیم‌رخ طولی متمایز خلق افسرده از کلاس پنجم (۱۱ ساله) تا کلاس هفتم (۱۳ ساله) مشخص شد: یک گروه که به طور دائم از سطح پایین خلق افسرده برخوردار بود، گروه دیگر افزایش شدید خلق افسرده را از اواخر کودکی تا اوایل نوجوانی نشان می‌داد و سومین گروه که همواره از اواخر کودکی تا اوایل نوجوانی از سطوح بالای خلق افسرده برخوردار بود. تحلیل‌های بعدی نشان دادند که در مقایسه با جوانهای فاقد دوست، جوانانی که دوستان غیرافسرده داشتند مسیرهای واحد سطوح کمتری از خلق افسرده را طی کردند، در حالی که جوانانی که دوستان افسرده داشتند سطوح بالاتری از افسردگی را نشان دادند. استلزمه‌های عملی و نظری یافته‌ها مورد بحث قرار گرفت.

Pellicano, E. (2010). Individual differences in executive function and central coherence predict developmental changes in theory of mind in autism. *Developmental Psychology, 46* (2), 530-544.

تفاوت‌های فردی در کنش اجرایی و انسجام مرکزی پیش‌بینی کننده تغییرات تحولی در نظریه ذهن در خودماندگی (اوتیسم) شواهد قدرتمندی این نکته را القا می‌کنند که افراد درخودمانده در چندین زمینه شناختی، مانند نظریه ذهن (ToM)، کنش اجرایی (EF) و انسجام مرکزی (CC) غیرعادی هستند. در این مطالعه، روابط طولی بین این ۳ جنبه شناخت در درخودماندگی بررسی شد. ۳۷ کودک دارای توانایی شناختی با شرایط طیف درخودماندگی با آزمونهای ToM (پیش‌بینی باور غلط)، EF (توانایی برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری شناختی و کنترل بازدارنده) و CC (پردازش کانونی) یک بار در شروع پژوهش و مجدداً ۳ سال بعد ارزیابی شدند. در نوبت اول، مهارت‌های EF و CC به صورت طولی پیش‌بینی کننده تغییر در عملکرد آزمون ToM کودکان بودند و این نتیجه از سن، زبان، هوش غیرکلامی و مهارت‌های اولیه ToM مستقل بود. ارتباط‌های پیش‌بینی کننده در جهت مخالف معنادار نبودند و هیچ پیوند تحولی بین EF و CC وجود نداشت. براساس این یافته‌ها می‌توان گفت که مهارت‌های کلی نقش مهمی را در شکل‌گیری مسیرهای تحولی ToM کودکان ایفا می‌کنند به جای آن که مشکلات در ToM، EF و CC را به عنوان عوامل مشارکت کننده و غیرعادی مستقل نشان دهند.

Bamford, C., & Lagattuta, K. H. (2010). A new look at children's understanding of mind and emotion: The case of prayer. *Developmental Psychology, 46*(1), 78-92.

نگاهی تازه به درک کودکان از ذهن و هیجان: مسئله دعا

در این بررسی از روش‌های چندگانه‌ای برای آزمون هشیاری کودکان نسبت به ارتباط بین هیجان و دعا استفاده شد. کودکان ۴، ۶ و ۸ ساله و بزرگسالان (N=۱۰۰) پیش‌بینی کردند که آیا افراد هنگام دعا هیجان‌های متفاوتی را احساس می‌کنند؛ توضیح دادند که چرا اشخاص در موقعیت‌های متفاوت تصمیم به دعا کردن می‌گیرند و پیش‌بینی کردند که آیا ویژگی‌های عاطفی اشخاص پس از دعا تغییر می‌کنند. کودکان ۴ و ۶ ساله فقط عقیده داشتند که هیجان‌های مثبت برانگیزاننده دعا هستند در حالی که ۸ ساله‌ها و بزرگسالان اغلب پیش‌بینی کردند که هیجان‌های منفی سبب می‌شوند که افراد دعا کنند و دعا کردن می‌تواند هیجانها را بهبود بخشد. همچنین از ۴ تا ۸ سالگی در تبیین دعا به عنوان یک عامل برخاسته از نیاز به کمک و شکرگزاری برای گفتگو و تبیین هیجان‌های پس از دعا در ارتباط با خدا یا دعا، یک افزایش معنادار وجود داشت. زمینه مذهبی تنها توانست وجود تفاوت‌های استدلال فردی را در ۴ ساله‌ها پیش‌بینی کند.

ترجمه زهره صیادپور

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب